



گزیده‌ای از گفتار یکی از پژوهشگران عرصه فضای مجازی در حوزه علمیه قم در خصوص فلسفه تولید بازی‌های رایانه و نباید‌های ما در برابر این پدیده نوظهور

ما و بازی بی‌پایان بازی‌ها

اشاره

چندی است در حوزه علمیه قم فضایی در کنار تحصیل در حوزه علمیه، پژوهش، نگارش، سخنرانی و نقد، خود را به پدیده فضای مجازی اختصاص داده‌اند و در مسیر آگاهی‌بخشی نسبت به آنچه در فضای مجازی رخ می‌دهد گام برمی‌دارند. نگاه این جمع به آنچه در فضای مجازی و رشته‌ها و زوایای گوناگون این فضا از جمله بازی‌های رایانه‌ای به چشم می‌خورد، کاملاً عالمانه و براساس مستندات و مشاهدات است. این جمع آسیب‌ها و تهدیدهای فضای مجازی به ویژه بازی‌های رایانه‌ای را براساس این داده‌ها درست تعریف می‌کنند. مطالب ذیل گزیده‌ای از دغدغه‌های یکی از این پژوهشگران فضای مجازی در حوزه درباره بازی‌های رایانه‌ای است که در گفت‌وگو با مجله پویا صورت گرفته است.

تعریف بازی در فضای مجازی

درباره ماهیت فضای مجازی ده تقسیم‌بندی برایش آوردیم که شش تقسیم‌بندی عنصر اصلی فضای مجازی است، چهارتا فرعی است. یعنی مثلاً کاربر در فضای مجازی عنصر اصلی است، مالک و حاکم در فضای مجازی عنصر اصلی است، بحث شبکه‌سازی و امکان ارتباط برقرار کردن، عنصر اصلی است. مثلاً فرض کنید اگر در فضای مجازی امکان ارتباط نبوده، به درد نمی‌خورد. ما شش عنصر اصلی و چهار عنصر فرعی داریم. ما عناصر فرعی را کار داریم در عنصر فرعی ما چهارتا چیز داریم. من چهارتا چیز را نام می‌برم. یکی از مهم‌ترین عناصر فرعی فضای مجازی

بحث محتوا است، یکی بحث قالب ارائه محتواست. چون این جا قاطی می‌شود. مثلاً ما تصویر متحرک را قالب ارائه محتوا می‌دانیم. یک خدمات داریم که خدمات می‌شود بازی و سرگرمی... بازی و سرگرمی می‌گوییم احتیاج دارند. مثلاً اگر قبول کنیم به بازی و سرگرمی احتیاج دارد، این یک خدمات می‌خواهد. این خدمات را در چه قالبی ارائه می‌دهد؟ قالب ارائه خدمات می‌گوید در قالب بازی رایانه‌ای. در این بازی رایانه‌ای شما چه محتوایی به کاربر می‌دهی؟ خود این محتوا را در چه قالبی به من می‌دهی؟ می‌گوییم در قالب تصویر متحرک، در قالب نوشته ذیل تصویر دارد ارائه می‌دهد که به آن بازی می‌گویند.

در بازی شما منفعل هستید

یک موقع آمریکا این لپ تاپ را ساخته و فرستاده است. الان من هستم که روی آن برنامه پیاده می‌کنم؛ حتی می‌توانم سیستم عامل ویندوز آن را بردارم یک سیستم عامل بسازم روی آن بگذارم. می‌خواهم بگویم اراده من در این مؤثر است و می‌توانم سیستم عامل را برایش طراحی کنم، محتوا را من در نظر می‌گیرم.

یک موقع بحث روی این است که طرف چیزی درست کرده به اسم رایانه؛ من همه چیز این را می‌توانم کنترل کنم یعنی می‌توانم یک سیستم عامل روی آن بگذارم که دیگر جاسوسی هم نتواند بکند. در مورد لپ تاپی که من می‌توانم این کار را بکنم که عکس بگیرد، اینترنت به آن وصل نکنم که اطلاعات ندهد، سیستم عاملش را عوض کنم، مدیریت آن با من باشد، محتوایش را هم همه خودم می‌ریزم، این آن جایی است که ما می‌گوییم از فناوری غرب می‌شود به نحو مطلوب استفاده کرد. اما یک جایی است که اساسا اختیار را از شما سلب می‌کند؛ شما کاملا منفعل هستید و اگر هم شما را فعال کرده در یک چارچوب خاص اجازه داده است. مثلا بازی به اسم جی تی درایو، اگر اشتباه نکنم حدود سی و پنج شش نوع خاتمه دارد سناریو اما هر سی و پنج شش نوع آن در یک راستا است. مثلا این جا آن طور تمام می‌شود این جا این طوری ولی همه یکجور تمام می‌شود. این به نظر من خیلی فرق می‌کند.

ما حدود صد بازی رایانه‌ای را عکس‌ها و فیلم‌هایش داریم؛ بخصوص اخیرا که بیش از ۲۰، ۲۵ تای آن را کلا بازی کردیم از اول تا آخر که ما عکس‌های آن را گرفتیم. وقتی نگاه می‌کنید می‌بینید چند مفهوم مشخص را به شدت دارد تبلیغ می‌کند، در حالی که شرکت‌های تولیدکننده متفاوت هستند؛ اما مفاهیم و محتوایی که دارد منتقل می‌شود، تقریبا یکسان است. شاکله تمام آن‌ها هم از دو چیز تشکیل شده: مسائل جنسی و خشونت. یعنی این دو را از آن بگیرد تقریبا چیزی از آن نمی‌ماند حتی ماشین بازی می‌بینی در آن مسائل جنسی می‌آید، خانمی با آن وضعیت می‌آید، مثلا پرچم تکان می‌دهد؛ به غیر از معدودی از بازی‌ها مثل فوتبال که در محدوده فوتبال باز هم شما منفعل هستی و در چارچوب خاصش باید بازی کنید. ولی دیگر این جا مسائل جنسی نیست، خشونت هم آن تکی‌ها را فاکتور بگیریم دیگر آدم کشی در آن نیست؛ معدودی از بازی‌ها این طور است.

جذابیت، شما را به دنبال خود می‌کشد

بحث فرصت‌سوزی و ائتلاف وقت و غلبه جذابیت بر هر چیزی که در همه آن‌ها هست؛ یعنی می‌بینی یک بازی ساده مثل توپ که نه در آن سکس و خشونت است، آن قدر جاذبه دارد که خانم بیش از این که به بچه‌اش برسد به این می‌رسد! این بحث غلبه جذابیت بر عقل است. من معتقدم باید بازی‌ها مالکش حرف بزنند. این جا در این رایانه که ساخته شده من در سیستم عامل مالکش حرف می‌زنم. اما برای این که درباره مالکش حرف نزنم می‌توانم بگویم یک تیم ایرانی با همین سخت‌افزار یک سیستم عامل نویسی را روی آن بگذاریم با یک هزینه کم، دیگر مالک سیستم عامل کنار برود؛ من هستم و سیستم عامل است که تعیین می‌کند دسترسی به کدام قسمت از رایانه ممکن باشد؛ جاذبه باشد یا نباشد. اما در بازی این طور نیست. در بازی، سازنده هدف مشخصی دارد. بازی را می‌سازد و وارد بازار می‌کند. هزینه بسیار گزافی می‌کند و جالب این جاست برخی را کاملا رایگان خدمات می‌دهد. مثلا بازی می‌آید ۱۶ ساعت فقط صحنه پورنوگرافی دارد. بازی مفتی است در حالی که نمره‌ای که آورد جزو هشت ده بازی برتر در تاریخ بازی‌هاست. آمدند گفتند هرکس می‌خواهد مفتی بازی

کند، کسی هم دوست داشت پول بدهد، همه هم دارند مفتی می‌گیرند، اندکی دارند پول می‌دهند، وقتی به محتوای بازی نگاه می‌کنی می‌بینی از بدترین بازی‌هایی است که در تاریخ ساخته شده! از نظر تکنیکی فوق العاده است ولی از نظر محتوا فوق العاده مستهجن و مبتذل است.

این جا باید مالک را نگاه کنیم. از محتوا از پایین بخواهید بالا بروید دست ما باز است؛ شما هم ماشاءالله فیلم و عکس دارید که همه دارد یک چیز تبلیغ می‌کند. از بالا به پایین بخواهید بباید که تکلیف کاملا روشن است؛ یعنی حیثیت بازی با توجه به بسته و منفعلانه بودنش بسیار متفاوت با هر چیز دیگری است. در شبکه‌های اجتماعی که باز شما منفعل هستید، اختیارات بیش تری دارید؛ در سایت که فوق العاده اختیار دارید، اما این جا اساسا اختیار ندارید و کاملا انفعالی است.

پای بازی جان داده‌اند!

بازی داریم نقشه آن به اندازه کل اتحادیه اروپاست، بازی داریم که حرفه‌ای بازی کند. این که گفتیم تمام نمی‌شود، بازی مثل دوتا دو dota۲ فارسی هم نیست برای آن‌هاست، دوتا دو هیچ وقت تمام نمی‌شود، چندین سال است که همه دارند بازی می‌کنند. بازی کلشون کلاف هیچ وقت تمام نمی‌شود. الان ساعتی پنجاه میلیون تومان از کشور ما خارج می‌شود؛ از این بازی کلشون کلاف هزینه ارتباطش بماند، شما فقط به خاطر این که فلان قابلیت در بازی بالا بیاید و ارتقا پیدا کند، پول می‌دهید. این پولی که می‌پردازید چند نفر عملی آن جا را گرفتند دارند پول می‌گیرند آن طرف می‌فرستند ساعتی پنجاه میلیون تومان. کسی هست که ماهی پنجاه و نه میلیون تومان برای این بازی پول می‌دهد! این قدر بازی جاذبه دارد که اصلا وقتی وارد آن می‌شوی دیگر نمی‌توانی دل بکنی! مثلا در بازی گری برای این که سر ساعت به بازی برسد، به طویله او حمله نکنند یک ساعت دیر بیاید تمام عملیات سابقش می‌سوزد و در بازی خارج می‌شود. افرادی هستند که از کارشان مرخصی می‌گیرند تا بازی کنند! متوجه می‌شویم که این بازی‌ها چقدر زندگی انسان را اشغال نموده‌اند.

چندی پیش کسی در چین آن قدر بازی کرد تا جان داد، هفتاد و چند ساعت پشت سر هم! یکی از آشناها گفت باز خوبه که ما مسلمانیم و نماز می‌خوانیم؛ گاهی برای نماز هم شده از سر بازی بلند می‌شویم!

خارج از چهارچوب نمی‌شود بازی کرد!

این یک پدیده ای است که حضرت آقا فرمودند کل رسانه‌ها در اختیار یک طبقه اجتماعی است. مفاهیم خودش را به کل دنیا منتقل می‌کند. منتهی این‌ها شاخه‌بندی دارد. انفعالی‌ترین قالب ارائه محتوا وبسایت شبکه اجتماعی بازی‌های رایانه‌ای فلان فلان از این انفعالی‌تر ما نداریم. کاربر هیچ کاره است. ما داریم درباره این پدیده حرف می‌زنیم. وقتی می‌خواهیم راجع به این پدیده حرف بزنیم یک کار ساده این است که چه کسی دارد این را می‌سازد. کار سخت‌تر این است که از این طرف نگاه کنیم. ما هر دو را انجام دادیم، هم سخت و هم آسان انجام دادیم. چه کسانی دارند بازی را می‌سازند، مثلا یکی از بزرگ‌ترین تولیدکننده بازی‌های دنیا شرکتی به اسم نوتی داگ یعنی سگ حشری است. اسم شرکت، سگ حشری است؛ بین چه بازی‌هایی تولید می‌کند. از بازی‌های درجه یک دنیا تولید می‌کند؛ بازی‌های بسیار فلسفی مثل یک بازی است که حتی تلویزیون خودمان تبلیغ می‌کند. می‌گوید بروید بازی کنید. می‌خواهم بگویم با یک چنین پدیده‌ای این خیلی فرق می‌کند. اگر شبکه اجتماعی بود می‌گفتم می‌شود این حرف را زد ولی در بازی اصلا کاربر هیچ کاره است و شما فقط در چارچوب باید بازی کنی. روشن بگویم، کاربر را می‌خواهی این طرف

الان ما بازی ساخته‌ایم که بچه وقتی بازی می‌کند به این نتیجه می‌رسد که اساساً نباید دنباله‌رو پدر و مادر باشی چون در زندگی شکست می‌خوری! اما اگر خودت مسیّر زندگی خودت را انتخاب کنی موفق می‌شوی.



هم می‌ریزد. این یک جمعیت بسیار بالا. فقیه که اصلاً خبر ندارد چه خبر است. یک جوان بیاید اساساً این را بازی کند یا این بازی فقط همان طور که در روایت فرمودند برای کودکان است

. اگر ما خواستیم بازی کنیم، چطور طراحی کنیم که مسائل شرعی در آن بیاید. اصلاً می‌شود این کار را کرد؟ حالا اگر توانستیم چه کار کنیم مسائل شرعی بیاید؟ معاملات در بازی چگونه باید باشد؟ نقشه‌ها خرید و فروش بشود نشود، چه کار کنیم وقت کاربر پای جاذبه‌های این بازی تلف نشود ولو از در و دیوارش هم آیه و روایت بیارد؟ یعنی بخواهیم به آن شکل فتوا بگیریم باید معیار مشخص کنیم. سیگار متفاوت ایرانی و خارجی یک چیز است اما بازی این نیست.

الان ما بازی ساخته‌ایم که بچه وقتی بازی می‌کند به این نتیجه می‌رسد که اساساً نباید دنباله‌رو پدر و مادر باشی چون در زندگی شکست می‌خوری! اگر هم موفق شوی هزارتا بدبختی داری! اما اگر خودت مسیّر زندگی خودت را انتخاب کنی موفق می‌شوی. حالا این را از لحاظ جامعه‌شناسی و روان‌شناسی چه باید بگوییم؟ می‌خواهیم بگویم این بحث بسیار متفاوت است؛ اصلاً حیثیت بازی با تمام حیثیت دیگر متفاوت است. مثلاً در شبکه اجتماعی خیال همه ما راحت است. حضرت آقا فتوای بسیار قشنگی دادند؛ اگر تعداد استفاده‌کنندگان این نرم‌افزار برای مالک آن که غیر بومی است، اهمیت دارد، صرف استفاده و ورود شما از این نرم‌افزار حرام است. شما یک‌وقت مالک را به عنوان کسی که ذی‌نفع اقتصادی است می‌بینی، یک وقت او را به عنوان کسی که برای رسیدن به یک هدف خاص طراحی کرده است.

گرفتاری ما در این روش چیست؟ گرفتاری این است؛ من الان تمام مفاهیمی را که در بازار منتقل می‌شود آورده‌ام؛ هم مستقیم هم غیرمستقیم. عمده‌های آن چهل پنجاه تا است. حدود ده دوازده تا غیرمستقیم آوردم. عمده آن مستقیم است. فرض کنید اگر این مفاهیم در آن آمد، چه مستقیم چه

بکشانی، سریع اخطار می‌دهد می‌گوید اگر تا ده ثانیه برنگردی در محیط مردی، بعضی بازی‌ها هم این ورد است؛ مثل جی‌تی‌ای.

بازی حاج قاسم را بکشید!

اولاً یک بازی داریم به نام بازی بتل فیلت ۳؛ شما یک صحنه جنسی در آن نمی‌بینید، اصلاً زن در آن نیست. خلاصه بازی این است که شما باید حاج قاسم سلیمانی را پیدا کنید و بکشید! می‌خواهم شقوق مختلف بازی را عرض کنم. این یک نکته. در حالی که یک بازی داریم مثلاً به اسم بازی سینز، انواع و اقسام سبک‌های مختلف، بیش از ۶۰ نوع بازی سینز درست شده درباره سبک‌های زندگی مختلف. مثلاً یک بازی سینز داریم تخصصی فقط می‌گوید چگونه سگ و گربه در خانه نگه داریم. جشن عروسی چگونه بگیریم. یک بازی سینز این است که چگونه می‌توانیم خواننده شویم. می‌خواهیم بگویم چه چیزی را فتوا می‌دهیم.

هجده و نیم میلیون، روزی یک ساعت و چهل و پنج دقیقه!

طرف در بازی آن‌لاین شمشیر می‌فروشد. در بحث فقهی وقتی می‌فروشیم و می‌خریم، مثنی باید معین باشد. این شمشیری که شما فروختی کجاست؟ چی خریدی؟ چی فروختی؟ ما آمدیم در بازی کلشن‌کلاب- که خیلی‌ها بازی می‌کنند و روی موبایل حساب کاربری دارد، شما با یک یوزر پسورد وارد بازی می‌شوید- بازی کردیم و رفتیم مرحله دویست. حالا در بازار دارند نقشه بازی و این یوزر پسورد را می‌خرند و می‌فروشند. اولاً مالیت دارد ثانیاً من مُرده به تو می‌رسد ثالثاً غالب معاملاتش که این‌جا انجام می‌شود با بچه‌های غیربالغ است. آیا این معامله شرعی است؟ این هم یک شق مباحث مربوط به بازی است. حالا یک بحث بالاتر؛ الان متوسط بازی‌کنندگان بازی در ایران ۱۸ سال دارند. هجده و نیم میلیون نفر به طور متوسط روزی یک ساعت و چهل و پنج دقیقه بدون لحاظ موبایل دارند بازی می‌کنند که اگر موبایل وارد کلا به هم می‌ریزد؛ هم ترکیب سنی را به هم می‌ریزد- چون الان پیرزن‌ها دارند بازی می‌کنند- هم ساعت بازی را به



غیرمستقیم، حرام است؛ اگر نیامد حلال است. الان یک بازی می آید به اسم بازی مثلا اسکایلند؛ این بازی باید بیاید، طرف باید بنشیند بازی کند. بعد می گویند برعهده مکلف است. این می گوید صحنه ای که دیدم بر من تاثیر نمی گذارد. او می گوید این برداشت شماست، یک چنین چیزی نیست همه بازی می کنند می رود؛ آن وقت فتوا برای ما فایده خروجی ندارد. عملا همه بازی می کنند.

تبلیغ سبک زندگی غربی در بازی ها

ما کلا در بحث بازی دستگاه های مختلفی خریدیم، همه را هم از شخصی داریم می گیریم، پول می دهیم، بهترین بازی کننده های خاورمیانه دارند بازی می کنند، اصلا هم ذهنیت نمی دهیم، می گویم شما بازی کن، فیلم بگیر و بفروست بیاید دسته بندی می شود. این بازی چی تی دی به محض این که داندوش در اینترنت آزاد شد، ایرانی ها داندوش می کنند. چه کارشان باید بکنند؟ دوپست ساعت گیم پلی دارد، حرفه ای بازی کنی دوپست ساعت.

چی تی خلاصه اش این است که شما به عنوان یک پدر حق نداری با زن خائنت برخورد کنی! حق نداری با دخترت که می رود در فیلم های آن چنانی بازی می کند کار داشته باشی! حق نداری با پسرت که ۲۴ ساعته پای دستگاه های بازی و ماهواره و تلویزیون می نشیند حرف بزنی! این ها باید آزاد باشند و هر کاری می خواهند بکنند! کی برخورد می کند؟ فردا برخورد می کند، بعد چه نتیجه ای می گیرد؟

فقیه اگر بخواهد نسبت به بازی های موجود به دو شکل می تواند فتوا بدهد: یا بگوید این ها حرام است و آن ها یجوز. یا این که بگوید من معیار به شما می دهم: کل بازی هایی که این محتوا را دارند حرام است و بازی هایی که این محتوا را ندارند، یجوز. به این دو شکل می تواند عمل کند، هر دو شکل هم انفعالی است. یعنی بازی های جدیدی که می خواهد بررسی کند چقدر وقت گرفته می شود! اگر بخواهیم برویم در باب دوم که اتفاقا ما از صحبت های امام و حضرت آقا این ها را در آورده ایم، که اصلا جزو وظایف

حاکم اسلامی است و باید به این دسته ورود کند؛ چه این که همین الان حاکم اسلامی زمینه دسترسی به آن را مهیا کرده. مردم این بازی ها را از کجا دارند می گیرند؟ از اینترنت، اینترنت را چه کسی در اختیار مردم قرار می دهد؟

ضرورت راه اندازی شبکه ملی اطلاعات

آیا دولت نمی تواند با راه اندازی شبکه ملی اطلاعات این را مدیریت کند؟ می تواند. یعنی در بحث شبکه ملی اطلاعات، می توانید طوری بحث را مدیریت کنید که مردم به جای مراجعه به آن بازی، به این بازی و به جای آن شبکه به این شبکه مراجعه کنند. به راحتی می شود ظرف سه ماه این را انجام داد؛ یعنی سیکلی که ما تعریف کردیم. فیلترینگ هوشمند اصلا صدایش را شما در نمی آوری مثلا من یک نمونه بگویم.

یکی از مسؤولین معتقد بود که هیچ کشوری در دنیا نمی تواند فیلتر کند، به دروغ؛ بعد حضرت آقا آوردند و نشان دادند که امکان فیلتر وجود دارد. اصلا این فیلترینگی که ما می گویم، مردم طالب آن هستند. مردم از دولت چه می خواهند؟ سرعت بالا و قیمت پایین و سلامت. ما ارتباط را با دنیا قطع نمی کنیم. ما گوگل و یاهو و واشنگتن پست را می بینیم، به همه سایت ها دسترسی داریم اما این دسترسی چگونه است؟ الان اینترنت ساختارش این طور است؛ بنده که در اتاقم نشستم دو خط دارم، این خطی که قطع کردم تلفن خارجی بود، این خطی که آن جاست تلفن داخلی و خارجی است؛ هر دو باهم است. حالا من می توانم این را چه کار کنم؟ وقتی می خواهم به اتاق کناری زنگ بزنم به چند شکل می توانم زنگ بزنم؛ یکی این که از طریق دو صفر زنگ بزنم دوم این که خط مستقیم این اتاق را بگیرم، سوم این که خط داخلی را بگیرم. خط داخلی معقول تر است؛ هم هزینه آن بسیار پایین تر است، هم امنیت آن بسیار بالاست، هم سرعتش فوق العاده است. ساختار اینترنت فعلی ما این است که شما می خواهید به من ایمیل بدهی، یک دور می رود آمریکا و برمی گردد؛ بعد من هم که جواب می دهم می رود آمریکا و برمی گردد. ما در شبکه ملی اطلاعات می گویم عین همین نظام حاکم تلفن داخلی ها را تلفن داخلی بزن. یعنی سایت داخلی که می خواهید ببینی، چرا این درخواست برود آمریکا و برگردد؟ این که با هیچ عقلی هم جور در نمی آید. ولی ساختار این طور است. چرا؟ چون دولت می گوید هر کس اینترنت می خواهد، من صاف از آمریکا کف دستش می گذارم. این جا ۲۵ برابر قیمت دارد پول می گیرد. ما می گویم این کار را نکن. وقتی من می خواهم به حاج آقا ایمیل بدهم، این نباید از ایران خارج شود.

می ماند ساختار خارجی. چین و کره جنوبی و خیلی از کشورها این کار را کرده اند. مزیتش چیست؟ الان ما این جا یک در بیش تر نداریم. اگر بگویند می خواهد زلزله بیاید، هر چهار تایی به سمت این در می رویم، شلوغ می شود سرعت کم می شود و احتمالا آسیب هم ببینیم. اما اگر گفتم از این پنجره هم می توانی طناب بیندازی بروی پایین، یکی از این پنجره می رود، یکی هم از آن پنجره می رود دو نفر هم از در می روند.

در اینترنت اولین اتفاقی که با این سیاست می افتد، این است که خلوت می شود حتی سرعت سایت های خارجی هم بالا می رود. این اولین نکته. دومین کاری که می کنیم می گویم ما اینترنت را گران نمی کنیم، پهنای باند بین الملل همین قیمت؛ اما این ارتباطات داخلی را تعرفه تبعیضی می دهیم. یعنی ارتباطات داخلی قیمت آن را یک دهم در نظر می گیریم؛ گیگی چهار صد تومان. اتفاق سوم؛ شرکت هایی که دارند به ما اینترنت می دهند، شاتل و صابنت و مخابرات و ... اگر این اتفاق بیفتد درآمد آن ها فوق العاده بالا می رود

و هزینه آن‌ها پایین می‌آید؛ چون دیگر پهنای بین‌الملل از خارج نمی‌گیرند و خودشان همه‌کاره هستند.

بله خود فیلم ممکن است در داخل باشد ممکن است از خارج بیاورد؛ اما در داخل بارگذاری می‌کند سرعت داندلود آن فوق‌العاده بالاست. یعنی ایرانی جماعت بخواهد فایل فکسی‌دان را داندلود کند، نمی‌رود سایت خارجی که سرعت آن پایین است بلکه می‌آید داخلی می‌گیرد. پیوست فرهنگی که دادی ملزم می‌شود، بعد به او می‌گویی اگر این را رعایت نکردی بیست تا شرکت بیرون نشستند تو فضا را خالی کنی بیایند جاییت را بگیرند.

نکنه بعدی؛ این اتاق را پر از آب کنید، وقتی یک دفعه خالی کنید اگر بخواهید دوتا سنگلاخی را که در این هست بگیرید، سخت است؛ اما اگر مدیریت کنید و به صورت قطره‌چکانی باشد، وضع متفاوت می‌شود. ما الان در اینترنت داریم چه کار می‌کنیم؟ بازی‌ها به این راحتی وارد کشور می‌شود؛ در حالی که قشنگ می‌شود مدیریت کرد. بنده مشتری شاتل هستم، ایشان از ایرانسل می‌گیرد، شما از مخابرات می‌گیری. من صفحه اول یاهو را کلیک می‌کنم صفحه اولش می‌آید؛ دو دقیقه بعد از من ایشان با ایرانسلش یاهو را می‌بیند، یک دقیقه بعد از من شما یاهو را می‌بینی ایشان سی‌ثانیه بعد از من یاهو را می‌بیند. ما می‌گوییم ده هزار سایت صد هزار سایت اولی که ایرانی‌ها استفاده می‌کنند، شرکت‌های داخلی صفحه اول سایت را همان اولی که من گرفتم ذخیره کنند. ایشان که یک دقیقه دو دقیقه بعد از من دیده، یاهو چقدر تغییر کرده؟ ده درصد بیست درصد هر چقدر تغییر کرده آن هشتاد درصد ذخیره شده را به او بده، این بیست درصد را نو بگیر؛ نه این که مجدداً هشتاد درصد را بگیر. این طوری پهنای باند بین‌الملل خلوت می‌شود، اطلاعات قطره‌چکانی می‌آید؛ چون قبلاً ذخیره شده، اطلاعات قطره‌چکانی را قشنگ می‌شود نگاه کرد. الان استخری دارد خارج می‌شود. این همه دارد می‌آید، مگر می‌شود برنامه‌های آن را جدا کرد؟ ولی وقتی قطره‌چکانی شد قشنگ می‌توانی انتخاب کنی. حالا ایشان دو دقیقه بعد بود، شما یک دقیقه بعد ایشان سی‌ثانیه بعد در این سی‌ثانیه چقدر تغییر کرده؟ آن وقت در قبض مردم هم این قضیه را اعمال می‌کنی. نکته آخری و تکمیل کننده مباحث این است؛ الان مؤسسه سایت دارد، چقدر هزینه می‌کنید؟ از دولت پول نمی‌گیرید، باید به شما بوجه بدهند یا خودتان پول از جای دیگر تهیه کنی بدهی سایت راه‌اندازی کنند. اما در آمریکا این‌طور نیست. در آمریکا آن که تولید می‌کند، مردم مراجعه می‌کنند داندلود می‌کنند می‌بینند اما پول نمی‌دهند. ما پول اینترنت را برای ترافیک می‌دهیم، پول ترافیک را چه کسی می‌گیرد؟ آن کسی که تولید می‌کند. اگر شما این کار را کردید، مردم اتوماتیک‌وار به سمت تولید می‌روند؛ چون آپلود کردن هزینه ندارد داندلود کردن هزینه دارد. رقابت در آپلود می‌شود.

چرا در کشورمان همه مصرف‌کننده‌ایم؟ بازی را باید مصرف کنیم، شبکه اجتماعی را باید مصرف کنیم، همه چیز را باید مصرف کنیم، تولید نداریم چون نمی‌صرفد. اما اگر این اتفاق بیفتد می‌صرفد.

غرض این که فقیه وقتی این مساله برایش تنقیح شد نمی‌تواند به دولت فتوا دهد که شما باید این کار را نکنید. مگر در رایتل این کار را نکردند؟ در رایتل فتوا برای مردم نبود، برای دولت بود؛ دولت ارائه تصویری را به مردم بدهد حرام است و جلوی آن گرفته شد. دیگر تصویر نداریم مگر از طریق برنامه‌های خارجی بیایند این‌جا هم فتوا دهند. اگر مطلب برایشان روشن شود فتوا می‌دهند. فتوا بدهند بر واجب‌بودن راه‌اندازی شبکه بین‌المللی اطلاعات که دستور آقا است اما اجرا نمی‌شود. این که اول من سوال کردم آیا در شبکه بین‌الملل اطلاعات مقاله‌ای نوشته شده چون اصلاً

مادر مقاله است تماماً به این مربوط می‌شود. حالا در حیث بازی خود ماهیت‌شناسی بازی هم مهم است. ما الان ۱۹۹ بازی تولید کرده‌ایم. از نظر تعداد، تولیدکننده اول خاورمیانه هستیم ولی محتوایش را نگاه می‌کنیم می‌بینیم غیر از مسائل جنسی هرچه بخواهید هست. یعنی ما دقیقاً روندی را که آن‌ها دارند می‌روند می‌رویم. باید درباره این هم حرف زد که ما اگر خواستیم بازی بسازیم روی چه ملاکی بازی بسازیم.

تولیدکننده ما این‌گونه نگاه نمی‌کند. در همایشی که اخیراً داشتیم، تمام تولیدکنندگان بازی شبکه‌های اجتماعی سخت‌افزار نرم‌افزار از سراسر کشور دعوت شده بودند. مثلاً تولیدکننده بازی آسمان‌دژ که در آلمان جایزه اول را گرفت، در کل دنیا فستیوال بین‌المللی بود، آسمان‌دژ ایران که البته برای ایران هم نیست، تولید شده برای خارج از کشور، رتبه یک دنیا را دارد جایزه ویژه هم داشتند؛ این آمده بود. این‌ها فقط به درآمد فکر می‌کنند. می‌گویند به من یک بوجه اولیه بدهید.

دولت و تکنوکرات‌ها مسؤولند

ساختار دولت یک ساختار تکنوکرات است. همین تکنوکرات‌ها در واقع به یک شکلی دولت را مدیریت می‌کنند و مدیریت آنان کاهش هزینه‌ها و بهینه‌شدن امور است. ما در عرض دولت داریم کار می‌کنیم؛ یعنی در عرض نگاه فردسالارانه داریم به این پروژه نگاه می‌کنیم، می‌خواهیم یک نگاه ارزشی به موضوع داشته باشیم. یک چالشی که حوزه گرفتار آن است، ناتوانی از پرداختن به موضوع است. چون همه‌جا فقیه قدرت ندارد و هنوز موضوع در اختیار فقیه نیست ولی بعضی مصادیق موضوع در اختیارش است. بازی را طرف می‌گوید من می‌خواهم این‌ها را بسازم. مثلاً ما الان می‌دانیم تا پایان سال چه بازی‌هایی در چه تاریخی می‌آید، زودتر اصلاً نمی‌آید، دیرتر چرا، مثلاً دو ماه تاخیر می‌خورد. مثلاً گفتند فلان بازی ۱۵ بهمن ۹۴ رسید، بعد ۱۵ بهمن ۹۴ رسید می‌گویند ببخشید تاخیر خورد، دو ماه دیگر؛ ولی این نبوده که ۱۵ آذر بیاید. فقیه می‌تواند با فهم این قصه، دولت را مکلف کند. دولت را نمی‌خواهد مکلف کند چون وظیفه دولت نیست، وظیفه شورای عالی فضای مجازی است، فرادولتی است، رئیس مجلس هست رئیس قوه قضائیه هست رئیس دولت هم هست فرمانده سپاه هست فرمانده نیروی انتظامی هست رئیس سازمان تبلیغات هم هست، شش تا وزیر هم هستند، ۱۲ عضو حقیقی هم دارد؛ آن اعضای حقیقی همه آدم‌های فنی هستند.

الان من دویست و شصت گیگ اطلاعات بازی دارم؛ بازی‌ها را دانه دانه نقد و دسته‌بندی کردیم. یک آقایی می‌گفت من خارج رفتم، از چندتا پرسیدم می‌گفتند ما رفتیم زندگی کردیم این خانواده خارجی که در فیلم نشان می‌دهد این آن نیست که آن‌جا است. یعنی این می‌خواهد حتی این قالب خانواده را هم قالب کند؛ هم به آن‌ها هم به ما! این هم یک بحث، یعنی فقیه می‌تواند به مردم ملاک و معیار بدهد، به دولت هم الزام کند پیوست فرهنگی به عنوان یک راه‌کار.

یکی از مسؤولین معتقد بود که هیچ کشوری در دنیا نمی‌تواند فیلتر کند، به دروغ؛ بعد حضرت آقا آوردند و نشان دادند که امکان فیلتر وجود دارد.